

نقش بانکداری اسلامی در مقابله با بحران‌های مالی

حیدر راسخ^۱

چکیده

اقتصاد جهانی، همواره با بحران‌های مالی که بر اساس نظام اقتصادی غرب، پایه‌ریزی شده، درگیر بوده است. نسخه‌های درمانی که برای حل این چالش از سوی اندیشمندان اقتصادی دنیا، پیچیده شده‌اند، حالت مسکن داشته. این معضل را به طور ریشه‌ی درمان نکرده است. براساس مطالعات که روی بانکداری اسلامی در شرایط بحران انجام شده، کارنامه موفق و بهتری از خود به جای گذاشته. این نقطه قوت، حتی تمایل جهانی را نیز دربر داشته است. الگوی بانکداری اسلامی از آنجایی که پیرو اصول و چارچوب شریعت، عمل می‌نماید، برخی از عوامل مهم بحران‌ساز را خنثی می‌کند و نهایتاً موجب سلامتی نظام مالی می‌شود. در مقاله پیش رو بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ی، به بررسی این فرضیه پرداخته شده که «الگوی بانکداری اسلامی، در شرایط بحران، از چه اصول و راهکارهای استفاده می‌کند». نتیجه‌های به دست آمده، نشان می‌دهد که الگوی بانکداری اسلامی، در شرایط بحران موفق عمل نموده است.

کلیدواژه‌گان: بحران مالی، بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف.

^۱ دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه. haidarrasekh@yahoo.com

سیستم اقتصادی همچون زنجیره‌ای جداناپذیر عمل کرده و بخش‌های مختلف کانال‌های مالی را به هم پیوند می‌زند. بانک‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و قدیمی صحنه اقتصاد، نقش بسیار بزرگی در پیشرفت و عقب‌گرد نظام مالی جهانی ایفا کرده‌اند و اگر مروری بر ادبیات اقتصادی جهان صورت گیرد، این اهمیت به‌خوبی درک خواهد شد. در صورتی که نیم‌نگاهی به عملکرد بانک‌های متعارف در طول تکامل این نهاد عظیم انجام شود، با افت‌وخیزهای زیادی در برهه‌های مختلف همراه بوده است. اگر رد پای بحران‌های مالی و نقش بانک‌ها را در آن دنبال کنیم، نشان می‌دهد که قبل از بحران‌ها، در طی یک دوره طولانی شاهد گسترش سریع اعتبارات و رشد دارایی‌های بانک‌ها، تمرکز بیش از حد دارایی‌ها در زمینه‌های خاص، افزایش ریسک نرخ بهره و نرخ ارز و به‌وجود آمدن ریسک تأمین مالی کوتاه‌مدت و در نتیجه عدم سازگاری دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و همین امر، از جمله دلایل به‌وجود آمدن بحران‌های مالی به شمار می‌آید. این بحران‌ها اغلب با یک شوک کوچک آغاز و دچار یک چرخه معیوب شامل از دست رفتن اعتماد اعتباردهندگان، هجوم سپرده‌گذاران برای خروج سپرده‌های خود از بانک‌ها، کاهش نقدینگی و نهایتاً از دست رفتن بیشتر اعتماد شده است. بر همین اساس، بحران بدهی آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ جزو نخستین بحران‌های بانکی محسوب می‌شود. سپس بحران کشورهای اسکاندیناوی در سال ۱۹۹۲ (شامل فنلاند، نروژ و سوئد) در رتبه دوم قرار دارد. بحران سوم که به تکیلا موسوم بود در مکزیک و در سال ۱۹۹۵ به دلیل کاهش ناگهانی ارزش پول این کشور، اتفاق افتاد. وقوع بحران کشورهای آسیای (اندونزی، کره و تایلند) در سال ۱۹۹۸ در رتبه چهارم بحران‌های مالی دنیا قرار می‌گردد که با سر رسیدن بدهی خارجی کوتاه مدت و تضعیف واحد پول تایلند همزمان با کیفیت پایین اعتبارات و مدیریت ناصحیح سیستم بانکی آغاز شد. (حمید بیگلری، ۱۳۹۳) بحران روسیه در سال ۱۹۹۸ در رتبه بعدی بحران‌های بانکی قرار دارد که افت شدید ارزش پول آن کشور، کاهش بیشترین ارزش‌های بانکی و نهایتاً نکول بازپرداخت بدهی‌های داخلی دولتی

را به همراه داشت. ترکیه نیز در سال ۲۰۰۰ دچار یک بحران شدید مالی گردید که این بحران نیز از بانکها آغاز شد. اما از بزرگترین بحرانهایی که اقتصاد خیلی از کشورها را در مخاطره جدی قرار داد، بحران مالی آمریکا و اروپا در سال ۲۰۰۸ بود که در اثر انفجار وامهای ریسکی ایجاد شد. بحران ۲۰۰۸ بزرگترین موج بحرانهای بانکی به هم پیوسته در طول تاریخ بوده است که بیشترین اثر جهانی را به همراه داشته است. مجموع این تحولات عظیم مالی نشانگر یک حقیقت روشن است؛ ناکارایی و معیوب بودن پارادایم غربی نظام مالی و شکنندگی الگوی بانکداری متعارف. از سوی دیگر، الگوی بانکداری اسلامی با توجه به ویژگیهای خاص خودش و تجربیات نسبتاً موفق شعب بانکهای اسلامی در سالهای بحران، مورد توجه و اقبال اندیشمندان اقتصادی کشورهای غیر اسلامی قرار گرفته است. لذا مقتضی است که برجستگیهای الگوی بانکداری اسلامی در شرایط بحران، مورد مطالعه همه جانبه قرار گیرد. این مقاله نیز به سهم خود، تلاش خواهد کرد که به برخی از سیاستهای بازدارنده الگوی بانکداری اسلامی در وضعیت بحران مالی، ادای دین کند.

پیشینه تحقیق

باتوجه به عمر نهچندان طولانی ظهور ادبیات بانکداری اسلامی در محافل علمی، مطالب قابل توجهی از سوی محققین اسلامی و مواردی هم غیراسلامی، در باب مسائل بانکداری اسلامی به نگارش درآمده است. اما این الگو به خاطر داشتن ظرفیت بالا در حل چالشهای موجود مالی و عبور از این مسائل، فرصت کارهای بسیار عمیقی را می طلبد که نیازمند کارهای جدی و وسیع می باشد. در بخشهای مختلف سیستم بانکداری اسلامی، کارهای جدی انجام شده ولی برای اكمال این پروژه به عنوان بدیل موفق برای نسخه متعارف نظام بانکی، جای خیلی از مباحث خالی احساس می شود. در مورد موضوعات مشابه این رساله، کارهای قابل توجه انجام شده ولی دانش پژوه به موضوع خاص با این عنوان، در کتب، مقالات و رساله های پژوهشگاهها از طریق جستجوهای انجام شده، دست نیافته است. با این حال، کارهای که نزدیک به این موضوع انجام شده است را به اختصار

مرور می‌کنیم.

(علی‌اصغر سالم، ۱۳۹۴) در مقاله تحت عنوان (مقایسه کارایی بانک‌های اسلامی و بانک‌های سرمایه‌داری در بحران مالی و بحران اقتصادی) بیان می‌کند: کارایی بانک‌های اسلامی در دوره بحران مالی با کارایی بانک‌های متعارف، تفاوت معناداری نداشته‌اند. این در حالی است که بانک‌های متعارف در دوران بحران از پشتوانه‌ها و کمک‌های حمایتی ویژه برخوردار بوده‌اند اما بانک‌های اسلامی از این کمک‌ها بی‌بهره و حتی بی‌نیاز بوده است که خود بیانگر نقطه قوت بانک‌های اسلامی است.

در پژوهشی (آیا بانک‌های اسلامی در برابر بحران مالی، تاب‌آوری بیشتری دارد؟) از معظم فاروق و (سجاد ظاهر، ۱۳۹۳) آمده است، نتایج به‌دست‌آمده از بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که شعب اسلامی بانک‌های ترکیبی کمتر در معرض ریسک خروج پول‌ها بوده است حتی شاهد جذب سپرده بیشتری در این دوران می‌باشیم که این خود نشان‌دهنده‌ای نقش برجسته برند مذهبی می‌باشد. در ادامه توضیح می‌دهند برخلاف بانک‌های متعارف که به‌خاطر کمبود نقدینگی، از دادن وام‌های جدید خودداری می‌کنند، بانک‌های اسلامی تمایل به اعطای وام دارند. نویسندگان این تحقیق نتیجه می‌گیرند که ظرفیت مالی بیشتر برای گروه‌های مبتنی بر اعتقادات دینی، مانند بانکداری اسلامی، ممکن است ثبات بانکداری را ارتقا دهند.

(محمد نقی نظر پور و دیگران، ۱۳۹۱) در مقاله (تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی) توضیح می‌دهند که بانک‌های اسلامی در طول بحران نه تنها ثبات خود را حفظ کرده‌اند که حتی نرخ‌های رشد فزاینده‌ای را نیز تجربه کرده‌اند. دلایلی همچون ممنوعیت انجام معامله‌های ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد، انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه‌گذاری و محدودیت فعالیت‌های سفته‌بازی را از موفقیت و استحکام نظام بانکداری اسلامی در برابر بحران‌های مالی می‌شمارند.

(محمد عمر چپرا، ۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان (بررسی نقش تأمین مالی اسلامی در کم کردن بحران مالی و تکرار آن در آینده) بیان می‌کند: فقدان انضباط مالی موجب بروز زیان، خسارت برای مؤسسات و نهایتاً بحران مالی می‌شود. چنانچه که دادن وام‌های رهنی به خریداران کم اعتبار در آمریکا که بحران‌های شدید مالی را به همراه داشت، ریشه در بی‌انضباطی مالی دارد. وی این مسئله را یکی از اصلی‌ترین علت بحران‌های مالی نام برده و بیان می‌کند: که سهام‌شدن در سود و زیان و اتکا بر دارایی‌های واقعی و جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی نامطمئن و بدون پشتوانه دارایی واقعی، می‌تواند در کاهش اثرات بحران مالی و بی‌ثباتی نظم اقتصادی، کمک کند.

(موسویان، ۱۳۸۸) در پژوهشی (بانکداری اسلامی ثبات بیشتر، کارایی بهتر) در مورد مزیت بانکداری اسلامی به‌عنوان جایگزین مناسب برای بانکداری متعارف توضیح می‌دهد که متغیرهای همچون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع درآمد و رفاه عمومی در نظام بانکداری اسلامی، با توجه به شرایط خاص، از ثبات بیشتری در شرایط بحرانی برخوردار می‌باشد.

(خاوری، ۱۳۸۸) در مقاله با عنوان (بانکداری مشارکت در سود و زیان، روش برون‌رفت از بحران مالی) نظام مشارکت در سود و زیان را رمز کامیابی در بانکداری اسلامی دانسته و به معرفی این نظام پرداخته است. در این نظام از ابزارها و ابداعات مالی بدیعی مانند؛ گواهی مشارکت برای طرح‌های پایان‌پذیر و گواهی پذیره برای طرح‌های پایان‌ناپذیر استفاده خواهد شد. وی تأکید دارد نظام مشارکتی می‌تواند بانک‌ها را در برابر بحران‌های مالی، مقاوم نگه دارد.

بحران مالی

اکثر مواقع بین بحران اقتصادی و بحران مالی، از سوی اقتصاددانان، تمایزی لحاظ نمی‌شود، در حالی که برخی اندیشمندان برای هر یک از این دو مفهوم، تعریف جداگانه‌ای بکار برده‌اند: بحران اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که یک وضعیت نامطلوب به طور ناخواسته و پیش‌بینی نشده در متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد، از قبیل؛ تولید، حجم

مبادلات اقتصادی و درآمد حقیقی، اتفاق بیفتد که وضعیت رکودی را در پی دارد. اما بحران مالی به وضعیتی گفته می‌شود که نوعی اختلال در بازارهای مالی با افت قیمت نهادهای مالی و ورشکستگی بدهکاران همراه شود و با گسترش در کل نظام مالی، ایفای نقش بازارهای مالی در تخصیص منابع مالی را مختل می‌کند. بحران‌های مالی به طور مستقیم منجر به زیان دارایی‌های مالی و به طور غیرمستقیم موجب اختلال در اقتصاد حقیقی می‌شود. براین اساس، بحران مالی مستلزم افت شدید قیمت دارایی‌ها، شکست بنگاه‌های مالی و غیرمالی بزرگ، تورم منفی یا کاهش تورم، اختلال در بازارهای ارز و یا ترکیبی از این موارد است.

اما بانکداری اسلامی، مفهوم متفاوتی از ادبیات بانکداری ارائه می‌کند. تمایز فاحش بانکداری اسلامی در برابر بانکداری متعارف در موضوع بهره است. وقتی که نخستین بار بحث بانکداری اسلامی در دهه ۱۹۵۰ مطرح گردید، با رویکرد حرمت بهره حرکت خود را آغاز نمود. زیرا بانکداری اسلامی اصل تسهیم سود و زیان را به‌عنوان شاخص اصلی خود معرفی می‌کند. شاکله بانکداری اسلامی با این آیه مبارکه «احل الله البیع و حرم الربا»، بنا شده است. در این آیه مبارکه به طور صریح، ربا را حرام اعلام می‌کند. باتوجه به این نفی آشکار، طرح موضوع بانکداری اسلامی به‌عنوان بدیل مناسب برای مسلمانان مسئله شد. بانکداری اسلامی با این چارچوب و هیئت فعلی از دهه ۱۹۷۰ پا به عرصه ظهور گذاشت، نخستین بانک‌های اسلامی در عربستان، مصر، پاکستان و سودان پایه‌گذاری شد. هرچند که مؤسسات مالی قبل از آن هم در مصر فعالیت مبتنی بر قوانین اسلامی انجام می‌دادند ولی به شکل یک نهاد مستقل تحت عنوان بانک اسلامی چنین اقداماتی نمی‌کردند. در بانکداری اسلامی رابطه بین بانک و مشتری، رابطه بدهکار و بستانکار نیست؛ بلکه رابطه مشارکت در زیان و پاداش تعریف شده است که برطبق موازین حقوقی و شرعی و در قالب عقود اسلامی، سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد. چنانچه که در بانکداری متعارف (ربوی) بین بانک و مشتری یک رابطه مستقیم شکل گرفته و در نتیجه رابطه دائن

و مدیون به وجود می‌آید. در نظام بانکداری بدون ربا، مستلزم استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه می‌باشد. از آنجای که بنیان بانکداری اسلامی، مبتنی بر تسهیم سود و زیان به وجود آمده است، نحوه به مصرف رسیدن منابع و نظارت بر عملکرد بانک‌ها از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. منابع در جای به مصرف می‌رسد که منفعت عمومی را همراه داشته باشد تا دست رانت و انتفاع شخصی را کوتاه نمایند دقیقاً خلاف آنچه که در نظام بانکداری متعارف رایج و مرسوم است. در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری که بانکداری متعارف بر اساس آن تعریف شده است، به‌خاطر همین مکانیزم توزیع ناعادلانه ثروت و قرارگرفتن منابع دست گروه خاص، شکاف عظیم طبقاتی هر روز بزرگ‌تر می‌شود. فقرا فقیرتر و ثروتمندان، ثروتمندتر. موضوع رعایت اصول اخلاقی در چارچوب نظام بانکداری اسلامی، به‌عنوان یک اصل شناخته شده است ولی در نظام بانکداری ربوی این مسئله کم‌اهمیت و حتی مغفول مانده است.

انواع بحران مالی

بحران‌های مالی را در یک دسته بندی کلی می‌توان به سه نوع تقسیم‌بندی کرد: بحران بانکی، بحران ارزی و سفته‌بازی و بحران بدهی.

بحران بانکی: بحران بانکی زمانی اتفاق می‌افتد که سپرده‌گذاران اعتمادشان را نسبت به آن بانک از دست بدهند و به طور یکبارگی و گروهی جهت خارج کردن سپرده‌ها به بانک‌ها مراجعه نمایند. از آنجایی که بانک‌ها درصد عمده‌ای از این سپرده‌ها را به اعطای اعتبارات و یا انجام سرمایه‌گذاری روی پروژه‌ای خاص اختصاص داده‌اند، موجودی نقدی، بسیار کمتر از حجم کل سپرده‌های مورد مطالبه مردم است که توان بازپرداخت برای بانک‌ها، مقدور نیست که به این وضعیت اصطلاحاً ورشکستگی (بحران) بانک‌ها گفته می‌شود. اما این شکنندگی اگر از بانکی به سایر بانک‌ها سرایت کند، بحران سیستماتیک یا «وحشت بانکی» رخ می‌دهد (نادری، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

بحران ارزی: هرگاه دولت یا بانک مرکزی، مجبور شود که نرخ مبادله ثابت خود را

تغییر و ارزش پول ملی را کاهش دهد، به این وضعیت اصطلاحاً بحران ارزی یا بحران تراز پرداخت‌ها گفته می‌شود (درخشان، ۱۳۸۷، ص ۱۷). وقتی که یک دولت بنا به دلایلی، قادر نباشد که از کاهش ارزش پول ملی جلوگیری کند، تقاضای ارز با هجوم سفته‌بازان جهت انگیزه‌های سودجویانه، به سرعت افزایش می‌یابد که عمده‌ترین دلیل برای اپیدمی بحران ارزی به شمار می‌رود.

بحران بدهی: دولت‌ها عموماً بدهی دارند با این تفاوت که در برخی کشورها با توجه به مدیریت ضعیف و اقتصاد شکننده، این بدهی بسیار خطرناک و همگام با بحران است، اما در اکثر کشورها، دولت بجای استقراض از دولت‌های خارجی و بانک‌های داخلی که تورم را همراه دارد، با استفاده از سیاست انتشار اوراق قرضه، مستقیماً سراغ خود مردم رفته و نیاز مالی خود را از این طریق تأمین می‌کنند. اما این بدهی سال‌به‌سال انباشته می‌شود به خصوص که در سررسید، باید سود آن بدهی را نیز پردازد این انباشتگی به جای می‌رسد که دولت در بازپرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده، تا اینکه موجب بحران بدهی می‌شود. به دیگر سخن، اگر وام‌دهندگان یا خریداران اوراق قرضه دولتی، نسبت به بازپرداخت بدهی دولت بدگمان شوند، ریسک انتظاری خریداری آن اوراق افزایش می‌یابد و در نهایت خریداران، نرخ بهره بالاتری را برای تقاضای آن پیشنهاد می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش نرخ بهره اوراق از طریق کاهش بهای بازاری آن ممکن است، قیمت این اوراق به سرعت کاهش یافته و منجر به بحران بدهی می‌شود (واعظ برزانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، از مجموع بحران‌های مذکور، بحران بانکی، از رایج‌ترین و اثرگذارترین به شمار می‌رود. زیرا وقوع بحران‌های بزرگ مالی که دنیا را هرازگاهی در شوک عظیم فرو می‌برد، آغاز حرکتش از موسسات مالی و بانک‌ها بوده است.

عوامل بحران

اگر به عوامل وقوع بحران‌های بانکی، توجه شود، ریسک‌پذیری‌های افراطی، خلق

پول بدون پشتوانه، ورود به بخش غیر واقعی اقتصاد، به عنوان عوامل اصلی شکست مالی بانکها شناخته شده است.

ریسکهای بزرگی که بانکهای متعارف به خاطر انتفاع بیشتر، متقبل می‌شود، از عواملی هستند که تهدیدی جدی برای بانکها به شمار می‌آید و صنعت بانکداری را با مخاطره مواجه می‌کنند. در نتیجه، ریسک‌پذیری بیش از حد نهادهای مالی، ضعف مقررات و نظارت همراه داشته و زمینه بروز بحران‌های اقتصادی را فراهم می‌کند (گرجی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

در بحث خلق پول باید گفت، که بانکهای تجاری قادرند، خلق اعتبار چندبرابری بکنند (کمپجانی، ۱۳۹۷، ص ۳). این خلق اعتبار، پیامدهای همچون؛ عدم عدالت توزیعی، تورم و نهایتاً رشد زمینه عملیات سفته‌بازی را همراه داشته و تهدیدی برای سلامت کل اقتصاد به شمار می‌آید.

اقدامات مبارزه علیه بحران‌های مالی

کارشناسان و اندیشمندان اقتصادی غربی، برای خنثی‌سازی این بحران‌ها، راه‌حل‌های را پیشنهاد می‌کنند. هرچند که این اقدامات، بیشتر حالت تسکین‌دهنده برای بیماری دوامدار بیش نیست. معمولاً راهکارهای را که برای عبور از این چالش‌ها پیشنهاد می‌کنند مواردی همچون؛ اعتماد سازی بین مشتریان، کنترل فعالیت‌های ریسکی و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای را روی دست می‌گیرند. کاملاً قابل درک است که یک بحران زمانی به وجود می‌آید که اعتماد عمومی نسبت به آینده اقتصاد از بین می‌رود. لذا دولت‌ها برای تثبیت نظام مالی و بانکی داخلی، تلاش بر جلب اعتماد در بازارهای مالی، صنایع بانکی و تداوم تأمین وجه توسط بانکها دارد. تأمین نقدینگی، اصلاح نظام خصوصی یا تقویت بخش دولتی، خرید دارایی‌های بانکی به منظور جلوگیری از کاهش ارزش اقتصادی، تزریق نقدینگی در بانکها و اعطای وام‌های بین بانکها از موارد این اقدامات محسوب می‌شود. دولت‌ها با تزریق نقدینگی به بانکها، ضمانت می‌دهند و کمک می‌کنند که تا با انتقال دارایی‌های مسموم به بانکهای تسویه‌کننده‌ای که دارای پشتوانه دولتی هستند،

کسری ترازنامه‌هایشان را از بین ببرند. کمک‌های پولی و طرح‌های تزریق نقدینگی، ممکن از فروپاشی نظام مالی جلوگیری کند اما برای افزایش تقاضای کلی بازار و رفع بیکاری کافی نیست. همچنین از موارد که دولت‌ها در شرایط بحران به آن توجه می‌کنند، خرید دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات ورشکسته است، این روش از رایج‌ترین اقدامات دولت‌هاست. با این اقدام تلاش می‌کنند که نقدینگی لازم بانک‌ها را با خرید دارایی‌هایشان فراهم نمایند. نظیر اوراق قرضه دولتی و یا اوراق مبتنی بر وام‌های رهنی و سایر دارایی‌های غیرنقدی بانک‌ها را خریداری می‌کنند. از جنبه‌های مثبت این اقدام، ثابت ماندن قیمت دارایی‌های بانک‌ها است که هیچ‌گونه زیانی را بر بانک‌ها تحمیل نمی‌کند. در بحران‌های اخیر مالی، برخی بانک‌های مرکزی نظیر فدرال رزرو ایالت متحده، بانک‌های مرکزی ژاپن، انگلیس، سوئیس و فدرال رزرو استرالیا این اقدام را عملی نمودند (سرزعیم، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

کنترل فعالیت‌های ریسکی

کنترل فعالیت‌های ریسکی یکی دیگر از راهکارهای است که اقتصاددانان برای مهار و کنترل بحران‌های مالی پیشنهاد می‌کنند. جوزف استیگلیتز، در مورد بحران سال ۲۰۰۸ باورمند است که بدترین فعالیت‌ها، فعالیت‌هایی بودند که هم‌زمان هم غارتگرانه و هم ریسکی بودند (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۴۵۵). وی دادن وام‌های که فراتر از توان پرداخت مردم است را منع می‌کند زیرا موقع که از پرداخت اقساط وام‌ها عاجز می‌مانند، مجبور به از دست دادن خانه و حتی پس‌اندازهای طول عمر خودشان می‌شوند. ایشان در مورد بحران سال ۲۰۰۸ اشاره می‌کند که با یکسری مقررات‌گذاری و کنترل ساده مثل گذاشتن سرعت‌گیرهای جلو سرعت بانک‌ها در دادن وام‌های رهنی، شاهد بحران به این بزرگی نبودیم (همان). یعنی نرخ افزایش پرتفوی وام‌های بانک‌ها کنترل می‌شد. چندین گزینه را وی برای کنترل سرعت گسترش نرخ دارایی‌ها نام می‌برد: مقررات افزایش سرمایه، مقررات تأمین و تولید و یا افزایش حق بیمه‌ها در بیمه سپرده بانک‌های که قرض دهی خود را در یک نرخ فزاینده افزایش می‌دهند، می‌تواند انگیزه‌های را برای کاهش رفتارهای

ریسکی و خطر ساز ایجاد کند.

اقدامات بین‌المللی

دولت‌ها، برای رفع مشکلات مالی، اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای انجام می‌دهند. از آنجایی که روابط اقتصادی کشورها درهم‌تنیده و کاملاً با هم مرتبط است، در شرایط پیشرفت و بحران از هم متأثر می‌شوند، لذا مقتضی است که در برابر بحران‌های ایجاد شده نیز به طور هماهنگ و همسو موضع واحد بگیرند. ایجاد صندوق بین‌المللی پول بدین منظور ایجاد گردیده که در شرایط بحرانی، به کشورهای ضعیف و بحران‌زده با کمک‌های مالی نظیر وام‌های بلندمدت و گاهاً بلاعوض، ضریب امنیت شان را بالا ببرد هرچند که این نهاد بین‌المللی بخاطر اعمال نفوذ ایالت متحده، بیشتر پیرو سیاست‌های آن کشور عمل می‌کند. بحران مالی سال ۲۰۰۸ از شبکه بانکی و بازار سرمایه آمریکا آغاز و به مراکز مالی اروپا، آسیا و سایر نقاط جهان نفوذ کرد تا آنجا که خیلی از مراکز صنعتی و نهادهای مالی این کشورها در آستانه ورشکستگی جدی قرار گرفتند. با این وجود، عکس‌العمل فوری دولت‌ها و برنامه‌ریزان اقتصادی، در حول محور منافع ملی شکل گرفت. مقامات پولی و مالی همه کشورها از ضرورت همکاری‌های جدی بین‌المللی و اجرای هماهنگ در برابر بحران مالی، به تکاپو افتادند. صندوق بین‌المللی پول در مرحله ابتدایی بحران مالی اخیر، معادل ۲۵۰ میلیارد دلار به کشورهای که گرفتار بحران شده- بودند، وام اعطا نمود.

اقدامات کمیته بال

در پی وقوع و گسترش بحران‌های مالی سال‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، ضرورت تقویت یک نظام مالی بین‌المللی که در شرایط بحرانی نقش مثبت ایفا کند، در دنیا قوت گرفت. بدین منظور، در سال ۱۹۹۷ میلادی کمیته نظارتی بال، به وجود آمد نقش کمیته بال، تهیه و تدوین اصول اساسی برای نظارت بر عملکرد بانکی بود. این کمیته به سرعت مورد اقبال عمومی کشورهای جهان قرار گرفت. اصولی را که کمیته بال برای عملکرد مؤثر بانک‌ها در نظر گرفته نقش امنیتی برای بانک‌ها در شرایط بحرانی دارد. موضوعاتی مهمی همچون

مدیریت ریسک، تقویت اقدامات نظارتی، کفایت سرمایه و افزایش شفافیت بازار از مواردی هستند که کمیته بال مورد توجه قرار داده است. این اصول به کشورها کمک می‌کند که نقاط قوت و ضعف روش‌های نظارتی را شناسایی و برای جبران نقاط ضعف موجود راهکارهای ارائه کند. بدین ترتیب، نظارت مستمر بر وضعیت مالی مؤسسات و بانک‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی به منظور شناسایی به موقع ریسک، انجام اقدامات اصلاحی و پیشگیری از وقوع بحران‌های مالی، صورت می‌گیرد. این نظارت به طور غیرحضور و در مقاطع فصلی و یا ماهانه انجام می‌پذیرد (منظور و یادی - پور، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

مجموع اقدامات مذکور، هرچند موثر واقع می‌شود اما اثر این راهکارها زودگذر و آنی است. زیرا آن نظام سرمایه‌داری در دل خود این بحران‌ها را همراه دارد نیازمند یک بدیل و گزینه مناسب است تا وضعیت مالی و بانک‌ها از این تهدید همیشگی نجات یابند.

الگوی بانکداری اسلامی

بانک به شکل متعارف آن در بطن نظام سرمایه‌داری متولد شده است و اهداف و وظایفی را دنبال می‌کند که با مبانی و اصول این سیستم همخوانی داشته باشد؛ بنابراین، بانک یک نهاد کاملاً غربی محسوب می‌شود اما در نظام مالی اسلامی این مفهوم با اصول شریعت تعریف و دچار دگرگونی معنایی شده است. در صدر اسلام، بانک وجود خارجی نداشت اما سیستم سرمایه‌گذاری با ابزارهای چون حواله، چک و سفته‌بازی رواج داشت و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بر مبنای مشارکت و مضاربه انجام می‌شد. به خاطر ناسازگاری نظام سرمایه‌داری با قوانین شریعت اسلام، ایده‌ای بانکداری بدون ربا در ذهن اندیشمندان اقتصادی مسلمان، به وجود آمد. بر اساس رویکرد غربی، بانک یک نهاد واسطه‌گری مالی است که در قالب ضریب فزاینده پولی اقدام به خلق پول و اعتبار می‌کنند. به عبارت دیگر، بانک‌ها در مفهوم غربی آن، واسطه میان قرض دهندگان و قرض‌گیرندگان است که به قرض دهندگان بهره می‌پردازند و از قرض‌گیرندگان بهره دریافت می‌کنند.

این مفهوم با آموزه‌های اسلامی در تعارض است زیرا که بانک در مفهوم اسلامی آن وکیل سپرده‌گذاران و شریکشان در سرمایه‌گذاری می‌باشد. زیرا به‌خاطر حرمت ربا، بانک‌های اسلامی مجاز به پرداخت و دریافت ربا نیستند. اصولاً بانکداری اسلامی، اقتضائاتی فراتر از بانکداری بدون ربا دارد. توجه به مسائلی همچون عدالت توزیعی، پیوستگی بخش پولی و واقعی، و امتناع از سفته‌بازی قمار گونه، از مواردی بسیار مهمی هستند که در کنار حرمت ربا از اهداف اساسی بانکداری اسلامی به‌شمار می‌آیند. بر این اساس، هرگونه بهره‌وری ظالمانه در معاملات و رباخواری به هر شکلی، عملی نامشروع و بر خلاف عدالت شمار می‌آید. چنان‌که در نظام بانکی ایران نیز اهداف مذکور صراحت دارد: «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) برای تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور». طبق قانون بانکداری بدون ربا، فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی، با ابزارهای پولی و اعتباری، ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه، حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی، از دیگر اهداف نظام بانکی به‌حساب آمده است (محمدجواد توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

اصول مقابله با بحران‌های مالی در بانکداری اسلامی

مهم‌ترین اصل و مرز تمایز بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف، موضوع ربا و تقسیم سود و زیان حاصل از هر معامله مشروع است و عمومی‌ترین مفاهیم در مورد بانکداری اسلامی نیز شامل مضاربه، ودیعه، مشارکت، مباحه و اجاره‌به‌شرط‌تملیک است، در ادامه تلاش خواهد شد که به این اصول بیشتر پرداخته شود.

ممنوعیت ربا

ربا در کتاب‌های لغت به معنای «فزونی» بیان شده است (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۲۶). اما در اصطلاح فقها، به معنای زیادی در معامله اشیاء ربوی و یا مشروط کردن قرض را به زیاده، آمده است (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

بانک‌های متعارف، از طریق مابه‌التفاوت بهره وام و سپرده‌هایشان، به دنبال حد اکثرسازی سود خود هستند؛ لذا به فعالیت‌های تسهیلات مالی اعطا می‌کنند که سودآوری بیشتری داشته باشد تا به فعالیت‌های که در فرایند توسعه اثر مثبت ایجاد کند. چه بسا که این وام‌ها به سوی عملیات سفته‌بازی جهت داده شود تا سود فوری حاصل شود حتی این رفتارهای سفته‌بازانه ممکن به نابسامانی اقتصادی منجر شود، اما بانک‌های متعارف به این عمل اهمیتی نمی‌دهند. چنانچه که قبلاً بیان شد، غالباً این وام‌ها در اختیار تاجران و ثروتمندان مشهور قرار داده می‌شود که شاید هیچ مسئولیت اخلاقی در قبال سرمایه‌گذاری نمودن در داخل کشور نداشته باشند و پول‌ها را خارج از کشور انتقال دهند. اما در حال که بانکداری اسلامی با رویکرد اخلاق‌مدارانه، ملزم می‌کند که منابع به‌درستی به کار گرفته شود. از آیه شریفه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) نیز قابل استناد است که مراد از سفیه تنها، بچه نابالغ یا فرد ناقص‌العقل نیست بلکه شامل هرکسی می‌شود که منابع مالی جامعه اسلامی را در موارد غیرمفید استفاده کنند.

اما مفهوم سود، در بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف ماهیتاً دارای اختلاف عمیق است. سود در نگاه اسلامی، محصول بهره‌وری از عوامل، بالاخص عامل کار و سرمایه است. این سود بدون اینکه از قبل تعیین شود، طبق سهم مشارکت افراد به صاحبان سرمایه پرداخت می‌شود و کاملاً حلال است اما سود حرام، محصول دارایی‌های نقدی بوده که صاحبان سرمایه در تحقق آن مشارکت نداشته‌اند. اینکه اسلام روی عقود مشارکتی و مبادله تأکید دارد، به علت کاهش ریسک در سرمایه‌گذاری و عدم زیان‌های سنگین سرمایه‌گذار است. سرمایه‌گذاری عموماً با ریسک و خطرهای ورشکستگی بالقوه همراه است. ریسک‌های احتمالی اگر تسهیم نشود، فرد سرمایه‌گذار بر اثر وجود برخی عوامل، به بن‌بست و شکست مالی مواجه شود. از آنجایی که عقود اسلامی، روی دادوستد فیزیکی کالا، ارتباط مستقیم با تجارت و کار، تأکید می‌کند، این ضررها تقسیم می‌شود. این همان نکته است که حدفاصل بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف واقع می‌شود.

زیرا یکی از عوامل بحران آفرین در الگوی اقتصاد غربی، مسئله جدایی بخش پولی از بخش واقعی اقتصاد است. چون بانک های سستی، روی فعالیت های مخاطره آمیز در ایجاد نقدینگی بالا و وجود نرخ بهره روی انواع وام ها که موجب جدایی بین بازارهای پولی از بخش واقعی اقتصاد می شود، متمرکز شده و اقتصاد را به سمت بحران هدایت می کند. اما در بانکداری اسلامی چون فعالیت ها مبتنی بر اصل مشارکت بوده، توان و انگیزه ریسک کردن را بالا می برد و به ثبات اقتصاد کلان کمک می کند (رایین، ۱۳۷۸). به خاطر چنین ویژگی، بروز وضعیت های مانند وام دهی بی رویه از سوی بانک ها به حداقل کاهش پیدا می کند؛ بنابراین، از آنجای که در بانکداری اسلامی، بهره از تسهیلات بانکی حذف می شود، یک نوع ارتباط سالم بین بخش واقعی و بخش مالی شکل می گیرد، در نتیجه، مانع از سقوط قیمت دارایی و بروز بحران مالی می شود.

توزیع ریسک

ریسک جزو پدیده ذاتی صنعت بانکداری است؛ یعنی دشوار خواهد بود که دوام این صنعت را بدون ریسک تصور کرد. پس تنها راه مواجهه با این مشکل، مدیریت درست آن است. همچنان که در بانکداری اسلامی نیز این مسئله به شدت خود باقی است. زیرا بانکداری اسلامی، همان رفتار بانکداری متعارف را با تغییرات در نوع قراردادها، طی می کند. ریسک زمانی به عنوان تهدید جدی برای یک فعالیت اقتصادی به شمار می آید که نه تنها سود قابل پیش بینی از بین برود که اصل سرمایه در معرض نابودی قرار بگیرد. در نظام بانکداری متعارف جهت مقابله با این پدیده، مدیریت ریسک انجام می شود؛ یعنی تمهیداتی را منظور می کند که حتی المقدور از اتفاقات نامطلوب که منجر به بروز ریسک می شوند، پیشگیری شده و ریسک به حداقل ممکن کاهش پیدا کند. در بانکداری متعارف، بخش زیادی از ریسک به گیرنده اعتبار منتقل می شود و آن رابطه بین بانک و گیرنده تسهیلات قطع می شود. حالا این گیرنده تسهیلات ممکن منابع را از مسیر تولید منحرف و به مسیرهای سفته بازی سوق دهند؛ بنابراین با رفتارهای سفته بازانه، بازارهای

سیاه با رشد مواجه شده و بخش واقعی اقتصاد با اثرات منفی همچون احتکار سرمایه، خروج سرمایه از مسیر تولید، مواجه شود. از سوی دیگر، افراد ریسک‌پذیر هنگام مواجه با خطر ممکن بخشی زیاد و یا گاهاً کل سرمایه خود را از دست بدهند. پیامد این خطرپذیری، به بانک‌های که تأمین‌کننده منابع بوده نیز سرایت می‌کند.

اما در بانکداری اسلامی، رابطه تنگاتنگی بین بانک و تسهیلات گیرنده وجود دارد. نمی‌توان ادعا کرد در بانکداری اسلامی ریسک وجود ندارد دقیقاً همان اقسام ریسک موجود در بانکداری متعارف برای بانکداری اسلامی قابل صدق است، حتی می‌توان گفت در بانکداری اسلامی با توجه به حیات کوتاه‌ش، فرصت بازبینی در مورد مدیریت ریسک و ارائه ابزارهای مناسب، به وجود نیامده و یا اصلاً توجهی صورت نگرفته است. اما آنچه که بانکداری اسلامی را متمایز می‌کند مسئله شراکتی بودن بانک و تسهیلات گیرنده در سود و زیان است. بدین ترتیب رابطه بین سود دریافتی از تسهیلات و سود پرداختی به سپرده‌ها رابطه کاملاً وابسته به یکدیگر است که کم‌وزیاد شدن سود حاصل از تسهیلات مذکور، سهم سود سپرده‌گذاران را نیز کم‌وزیاد می‌کند و موجودیت بانک را کمتر با خطر مواجه می‌سازد. اما این رابطه در بانکداری متعارف وجود ندارد. زیرا از یک طرف بانک متعهد به پرداخت سود سپرده‌ها است، صرف‌نظر از اینکه درآمدی از محل اعتبارات خود داشته یا نداشته باشد. پس ریسک پرداخت سود سپرده‌ها تماماً توسط بانک تحمل می‌شود. از طرف دیگر، ریسک تسهیلات اعطایی تماماً متوجه بانک است بدون اینکه سپرده‌گذار سهمی از آن را متحمل شود. در نتیجه بانک‌های متعارف در مقابل توقف و ورشکستگی وضعی به مراتب حساس‌تر از بانک اسلامی داشته و به احتمال زیاد بانک اسلامی از این جهت بر بانک متعارف ترجیح دارد. با توجه به آنچه که بیان شد، توزیع ریسک در بانکداری اسلامی نسبت با بانکداری متعارف، از موقعیت بهتری برخوردار بوده و ضریب امنیت سرمایه‌گذاری را در موقعیت بحران، بالاتر می‌برد. از جمله موفقیت‌های بانکداری اسلامی در زمینه کاهش ریسک، ورود به معاملات واقعی می‌شوند که اثر عینی

بر تولید و رفاه جامعه می گذارد و از فعالیت های سفته بازانه نهی می کند که این مسئله، نیز به امنیت سرمایه گذاری کمک می کند (علم الهدی، ۱۳۹۷).

پرهیز از سرمایه گذاری در دارایی های بدون پشتوانه

یکی دیگر از عوامل بحران آفرین در سیستم مالی جهان، خلق پول مصنوعی توسط بانک ها و مؤسسات مالی است. این نظریه زمانی تقویت شده که آخرین بحران مالی سال ۲۰۰۸، جهان را تحت تأثیر قرارداد. بنا به عقیده عده زیادی از کارشناسان امور مالی و پولی، مجاز بودن بانک ها در تولید پول بدون پشتوانه و مصنوعی و افراط زیاد در این زمینه، موجب شکل گیری حباب های عظیمی گردید که نهایتاً با ترکیدن آنها در سال ۲۰۰۸ بحران عظیم جهانی را به وجود آورد (صادقی شاهدانی و نصرآبادی، ۱۳۹۵). پول های بدون پشتوانه در قالب وام های رهنی در اختیار متقاضیان قرار داده شده و یا خود بانک ها به صورت مستقیم، به بازارهای سهام و دارایی های منقول اختصاص می دهند. هر چه این پول ها بیشتر در جامعه راه یابد، به واسطه افزایش تقاضای سهام و دارایی، قیمت آنها نیز افزایش یافته و در نتیجه موجب شکل گیری حباب می شود. زیرا، عدم اتکای مشتقات مالی بر دارایی های واقعی بحران ساز است. اما در سیستم بانکداری اسلامی، به خاطر منع ربا و الزام بانک ها به بازپرداخت سپرده های مردم در هر شرایط زمانی، تولید پول های مصنوعی و بدون پشتوانه که هیچ ارتباطی با بخش واقعی ندارد، جایگاهی برای تعریف نشده است؛ بنابراین از خطری حباب قیمت ها، در امان است.

محدودیت سفته بازی

دو نوع سفته بازی در سیستم اقتصادی رایج است. هریک، پیامدهای متفاوتی بر نظام مالی بر جای می گذارد. وجه منفی سفته بازی، در اقدامات کوتاه مدت، به وجود می آید، دقیقاً در مقابل سفته بازی بلندمدت که از کارکردهای مثبت برخوردار می باشد. از ویژگی های قسم دوم سفته بازی (بلندمدت)، می توان به آوردن اطلاعات آینده به حال، تثبیت و پایدارسازی، افزایش امکان نقدشوندگی و تقبل ریسک افراد ریسک گریزتر، اشاره

کرد. اگر فرض شود که سرمایه‌گذاری معینی، در واقع دارای ارزشی بیش از تلقی و تمایل کنونی و میانگین عموم جامعه است، اما سفته‌بازان بلندمدت به‌خاطر مهارت که در حرفه خود دارد، ارزش واقعی این دارایی را درک نموده و روی آن، سرمایه‌گذاری می‌کنند. بازخرید سهام آن سرمایه‌گذاری به انگیزه کسب سود قبل از تغییر قیمت در عمل و به طور تدریجی باعث افزایش قیمت آن شده و مشوق تولید بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر در آن زمینه خاص می‌شوند. در نهایت سفته‌بازان با این رفتارشان، نقدشوندگی را افزایش داده و ریسک افراد ریسک‌گریزتر را با دریافت پاداش (بهای) ریسک تقبل می‌کنند. این نوع، سفته‌بازی دارای آثار مثبت اقتصادی است. اما سفته‌بازی کوتاه‌مدت که به‌منظور کسب سود فوری، فاقد ویژگی‌های مذکور است. در این نوع سفته‌بازی، تولید، ارائه خدمات و نهایتاً شکوفایی اقتصادی صورت نمی‌گیرد. تمام مبادله‌های سفته‌بازی کوتاه‌مدت، بیش از حاصل جمع صفر نمی‌باشد. زیرا افزایش دارایی یک طرف به قیمت کاهش و زیان طرف دیگری تمام می‌شود (واعظ و معینی، ۱۳۹۲، ص ۳۱). این دسته از سفته‌بازان، در جست‌وجوی التهاب بازار و کسب سود نامتعارف (در زمان کوتاه) از نوسانات ناگهانی قیمت هستند. چون سود حاصله نه بر مبنای عوامل بنیادین که مبتنی بر هیجانات و رفتارهای تکنیکالی، استوار بوده و موجب شکل‌گیری حباب می‌شود. بانک‌ها و نهادهای مالی که در مقایسه با اشخاص حقیقی، از دسترسی به منابع بیشتری برخوردار هستند، بازیگران قدرتمندتر در ایجاد نوسانات قیمتی می‌باشند. برای مبارزه با این نوع سفته‌بازی که تهدیدی جدی برای سیاست‌های مالی دولت و به طور کل، تمام اقتصاد بشمار می‌رود، پس از بحران سال ۲۰۰۸، کشورهای همچون آمریکا، چین، آلمان و برخی دیگر کشورهای اقتصاد برتر، سیاست وضع مالیات بر تراکنش‌های سفته‌بازان را به اجرا گذاشتند. سفته‌بازی کوتاه‌مدت زمانی مخرب‌تر ظاهر می‌شود که شرایط اقتصادی کشور پرنوسان بوده و با این رفتار، بر شدت نوسانات می‌افزاید. در نهایت، رفتارهای سفته‌بازانه و دلالانه، جایگزین رفتارهای مولد اقتصادی و موجب بروز بحران‌های مالی می‌گردد. این

وضعیت در تجربه اقتصادی نظام سرمایه‌داری به صورت چشمگیر قابل‌رؤیت است؛ نمونه‌های مشهور از ترکیدن حساب قیمت‌ها می‌توان به سقوط وال‌استریت ۱۹۲۹ آمریکا، ترکیدن حساب دارایی ژاپن در دهه ۱۹۸۰، سقوط حساب دات‌کام در سال ۲۰۰۰ و ترکیدن حساب بازار مسکن در سال ۲۰۰۶، نام برد (عزیزی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۷).

اما در بانکداری اسلامی به طور خاص و در نظام مالی اسلامی به گونه‌ای عام، قواعد و معیارهای مد نظر قرار داده شده که به طور خودکار مانع انجام عملیات سفته‌بازانه می‌شود. قاعده «اکل مال به باطل» و قاعده «نفی غرر» از موضوعاتی هستند که در مسائل مالی اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. در متون فقهی راجع به نفی غرر بر «اشترای قدرت تسلیم عوضین» و «اشترای علم به عوضین»، تأکید شده است تا از زیان احتمالی، پیشگیری صورت بگیرد. از سوی، غرر در اصطلاح به بیعی اطلاق می‌شود که نتیجه نامعلوم دارد؛ بنابراین، از نگاه اسلام، عمل سفته‌بازی مردود دانسته شده است که در فصل قبل در مورد این مسئله پرداخته شد. راهکارهای که در قراردادهای اسلامی وجود دارد و تأکید اسلام بر قواعد مذکور، زمینه فعالیت‌های سفته‌بازانه را محدود کرده و پیامدهای منفی، تهدیدی برای اقتصاد وجود نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

اقتصاد اسلامی در بعد کلان و بانکداری اسلامی به طور خاص، بر بخش واقعی اقتصاد تأکید دارد. این ویژگی، موجب توسعه تولید، کارآفرینی و محدودیت رفتارهای قمارگونه می‌شود. اقتصاد اسلامی برای حراست سلامت نظام مالی، اصولی را معرفی می‌کند که بانکداری اسلامی از دل این اصول پدیده آمده است. بانکداری اسلامی در طول تجربیات حضورش، به‌رغم کاستی‌ها و نواقصی‌های که مواجه بود، سابقه درخشان‌تری را نسبت به بانکداری متعارف که سالیان زیاد مورد حمایت همه‌جانبه بود، نشان می‌دهد. در زمان وقوع بحران‌های بزرگ مالی، به‌خصوص بحران سال ۲۰۰۸، کارکردهای یکسانی از عملکرد دو نظام بانکداری، مشاهده می‌شود، این در حالی است که بانکداری اسلامی، در نیمه راه، قرار دارد و بانکداری متعارف، به‌صورت گسترده همواره مورد توجه و نظریه-

پردازي محققين بوده است. در نگاه نظري، الگوي بانکداري اسلامي، مي تواند بدليل موفق براي الگوي متعارف باشد، اما اينکه نواقصي هاي در عملکرد بانکداري اسلامي ديده مي شود، به خاطر مهندسي نشدن و به روزرساني نشدن اين ايده اي بانکداري است. نمونه هاي ضعف عملکرد بانکداري اسلامي، غيرواقعي بودن برخي معاملات، پيچيده بودن قوانين و مقررات و فقدان راهکار مناسب براي تحقيق و توسعه بانکداري بدون ربا مي باشد. در اين فصل، ابتدا الگوي بانکداري اسلامي و ابزارهاي مورد استفاده آن، به بحث گرفته شد. سپس به راهکارهاي بانکداري اسلامي در شرايط بحران مالي پرداخته شد؛ اقداماتي که خاصيت بازدارندگي دارد. در مطالب پيشين راجع به عوامل بحران ساز مباحثي طرح شد اما در اين فصل آن عوامل با استفاده از راهکارهاي مالي اسلامي، مورد نقد قرار گرفت. موارد مهم که در بانکداري اسلامي، رعايت مي شود نظير؛ منع ربا و سفته بازي، دوري از خلق پول بدون پشتوانه، توزيع ريسک در قراردادهاي مالي اسلامي، توزيع سودهاي عادلانه، پرهيز از سرمايه گذاري در دارايي هاي پر ريسک و نهايتاً وجود شفافيت و نظارت دقيق در اين الگوي اسلامي، دقيقاً عوامل بحران ساز در سيستم مالي غربي شناخته شده است؛ بنا بر اين، يافته هاي به دست آمده در اين تحقيق، ثبات و پايداري، نظام مالي اسلامي را در شرايط بحران، به خوبي نشان مي دهد.

فهرست منابع

- ۱) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۶)، لسان العرب، بیروت، احیاء التراث العربی.
- ۲) استیگلیتز، جوزف (۱۳۹۱)، سقوط آزاد: بازارهای آزاد و افول اقتصاد جهانی، مترجمان: محمدناصرشرافت جهرمی، رسام مشرفی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳) برزانی، محمد واعظ، ابراهیمی، بهنام (۱۳۹۵)، تحلیل نظری تأثیر ارزش‌های غیرواقعی بر ایجاد بحران مالی جهانی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴) توکلی، محمدجواد، ساز و کار بانکداری اسلامی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۲.
- ۵) درخشان، مسعود (۱۳۸۷)، ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۶) رایبن، ماتیوس (۱۳۷۸)، بانکداری اخلاقی نگاه اسلامی، ترجمه: فائزه سادات سجادیان، دین و اقتصاد، ش ۷ و ۸.
- ۷) سرزعی، علی (۱۳۹۲)، سیاست‌های اقتصادی برای مقابله با بحران‌های بانکی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ش ۲۱.
- ۸) شاهدانی، مهدی صادقی، نصرآبادی، داود (۱۳۹۵)، ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی (مطالعه موردی: بحران مالی سال ۲۰۰۸)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱.
- ۹) شعبانی، احمد و همکاران (۱۲۹۴)، درآمدی بر بانکداری اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۰) عزیزی، آریا (۱۳۹۷)، بحران‌های مالی و دلایل ثبات مالی نسبی بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی، فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار، ش ۲.
- ۱۱) علم الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۷)، بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی، فصلنامه اقتصاد مالی، ۴۴، ش ۱۲.

۱۲) کمیجانی، اکبر، ابریشمی، حمید، روحانی، سیدعلی (۱۳۹۷)، ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه رایج و دلالت‌ها، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، ش ۲۹.

۱۳) گرجی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۰)، نظریه RBC و بحران اخیر مالی، دوفصلنامه اقتصاد پولی و مالی، ش ۱.

۱۴) منظور، داوود، یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۷)، نظارت در سیستم بانکی با تکیه بر اصول نظارتی کمیته بال به‌عنوان ناظر بین‌الملل، مجله راهبرد توسعه، ش ۱۳.

۱۵) موسویان، سیدعباس (۱۹۲۱)، نظریه‌های ربا و بهره، فصلنامه عملی پژوهشی اقتصاد اسلامی.

۱۶) نادعلی، محمد (۱۳۹۴)، سیاست‌های مالی و پیشگیری از بحران‌های مالی در کشورهای با بازارهای نوظهور، روند، ش ۷۰.

۱۷) واعظ، محمد، معینی، شهرام (۱۳۹۲)، سفته‌بازی کوتاه‌مدت در بازارهای اقتصادی و مالی (بررسی فقهی - اقتصادی)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۰، ش ۲۰.